

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: تزریا ۵۷۷۹

فدیه های تولد فرزند

ربای لرد جانانان ساکس

The Sacrifices of Childbirth

(Tazria 5779)

در ابتدای این پاراشا مجموعه ای از قوانین هست که مفسران را به چالش کشیده، دچار ابهام ساخته است. این قوانین در مورد زنی هستند که به تازگی فرزند به دنیا آورده است. اگر او فرزند پسر به دنیا بیاورد، هفت روز ناتمیز است، همان گونه که در طول عادت ماهانه ناتمیز به شمار می رود. پس از آن باید سی و سه روز از تماس با اشیاء مقدس و حضور در معبد خودداری کند. اگر فرزند دختر به دنیا بیاورد، مدت هر دو دوره دوبرابر می شود: او برای دو هفته ناتمیز است و باید سی و سه روز بیشتر صبر کند. به این ترتیب باید دو پیشکش بیاورد:

وقتی دوره تمیز شدن برای فرزند پسر یا دختر کامل شد، باید یک بره برای فدیۀ سوختنی و یک کبوتر جوان یا قمری برای فدیۀ گناه به دروازه چادر عهد نزد کاهن پیشکش دهد. [کاهن] باید [قربانی را] در برابر خدا پیشکش و طلب بخشودگی کند [برای زن] و از این راه او را از آلودگی خروج خون از رحمش پاک گرداند. این

قانون برای زن، خواه فرزند پسر آورده باشد و خواه دختر، صادق است (لاویان ۷-
۱۲:۶).

پرسش‌ها آشکار هستند. چرا این زن باید قربانی پیشکش کند؟ می‌توانستیم بفهمیم اگر فقط باید پیشکش شکرگزاری می‌آورد، و تزییای شکر بدهد برای بهبود خود و فرزندش. اما دستور به او چنین نیست. او باید پیشکش سوختنی بیاورد - که معمولاً برای یک گناه جدی آورده می‌شود - به همراه فدیۀ گناه. پس سرپیچی و گناه او چیست؟ او فقط نخستین دستور تورات را اجرا کرده که می‌گوید "بارور باش و کثیر شو" (پیدایش ۱:۲۸). او هیچ کار خطایی نکرده است. پس چرا نیاز به توبه دارد؟ چنین هستند برخی پیشنهاد‌های تفسیرگران تورات:

۱- ربنو باحیا و ربی شلومو افرایم بن اهرن لونتشیتر (کلی یاکر ۱۵۵۰-۱۶۱۹) هر دو بر آنند که پیشکش به یاد گناه حوا در باغ عدن است و تنبیه او توسط خدا که من درد تو را هنگام زایمان بسیار شدید می‌سازم؛ تو با درد فرزند خواهی زایید (پیدایش ۳:۱۶). [1]

۲- بن عزرا به دنبال یک دیدگاه در تلمود می‌گوید که زن در هنگام عذاب زایمان ممکن است افکاری گناه آمیز در ذهن داشته یا بیان کرده و اینک پشیمان است از قسم‌هایی که خورده که دیگر هرگز با همسرش نخواهد پیوست. [2]

۳- نحمانید می‌گوید که قربانی‌ها گونه‌ای خون بها هستند یا پیشکش سلامتی و نجات از خطرهای زایمان و نیز گونه‌ای دعا برای بهبودی. [3]

۴- سفورنو می‌گوید که این زن به شدت با روندهای جسمانی مربوط به زایمان درگیر بوده است. او هم به گذشت زمان و هم آوردن پیشکش نیاز دارد تا افکار خود را دوباره به سمت خداوند و امور روحانی ببرد. [4]

۵- ربی میر سیمخا اهل دوینسک می‌گوید که پیشکش سوختنی مانند یک عولت رثا است، پیشکشی که در جشنواره‌ها برای معبد می‌آوردند با رعایت این دستور: "در پیشگاه من دست

خالی حاضر نشو" (خروج ۲۳:۱۵). این زن امکان حاضر شدن در پیشگاه خدا در معبد را جشن می گیرد. [5]

بدون رد هیچ یک از این ایده ها باید چشم اندازهای دیگری را مطرح کنیم. اولین چشم انداز به مفاهیم زیربنایی حاکم بر سفر لاویان مربوط است، یعنی واژه های طامه و طاهر که معمولاً در مفهوم آیینی، ناتمیز/ تمیز یا پاک/ ناپاک ترجمه می شوند. مهم است بگوییم که این واژه های عبری همان حال و هوایی که در زبان انگلیسی به خود می گیرند را ندارند. طامه به معنای ناپاک یا آلوده نیست، بلکه یک واژه آیینی است نشانگر کسی که در شرایطی است که نمی تواند وارد معبد بشود. طاهر به معنای برعکس آن و کسی است که می تواند وارد شود.

چگونه این را بفهمیم؟ محراب و در زمان های بعد، معبد، نمادهای حضور الهی در قلمرو انسانی در قلب اردوگاه به سال های سرگردانی بیابان بودند و نیز مرکزیت ملت در سال های سلطنت یهود. اما آنها فقط نماد بودند، زیرا در یکتاپرستی، خدا همه جا به طور مساوی حاضر است. مفاهیم مکان و زمان در ارتباط با خداوند تنها استعاری هستند. به این معنا نیستند که خدا بیشتر اینجا هست تا جای دیگر، بلکه یعنی ما انسان ها حضور او را بیشتر اینجا حس می کنیم تا هر جای دیگر. بنابر این، بسیار اساسی بود که از چشم انداز انسانی، تجربه بودن در یک قلمرو مقدس، تجربه ای از امر متعالی ناب باشد.

خداوند ازلی و ابدی است. خداوند روحانی است. ما و جهان، مادی هستیم و هر چه فیزیکی باشد، دستخوش تولد، رشد، افول، زوال و مرگ است. این امور هستند که باید از حرم مقدس دور باشند تا ما به تجربه ایستادن در حضور ابدیت دست یابیم.

پس، آنچه ما را از ورود به فضای مقدس بازمی دارد، اموری هستند که به ما یا دیگران میرندگی را یادآور می شوند: این که ما به دنیا آمده ایم و روزی خواهیم مرد. تماس با مرگ و یا حتی تولد چنین تاثیری دارد. بنابر این، هر دوی این امور، فرد را از برقراری ارتباط با

فضای تقدس بازمی دارند. کسانی که با مرگ در تماس بوده اند (اعداد ۲۲-۱:۱۹) و نیز مادری که فرزند زاییده بود، می بایست روندهای پالایش خاص، هرچند متفاوتی را اجرا کنند. همین امر صادق است در مورد هر چیزی که توجه ما را به امر جسمانی جلب می کند. از این رو است که برای نمونه، افراد مبتلا به بیماری پوستی *تزارت* (برص) و یا دارای جریان خون قاعدگی یا ترشح منی نیز باید ابتدا آیین پالایش را انجام می دادند. به همین دلیل یک کوهن دارای نقص عضو، واجد شرایط خدمت کهنات نبوده (لاویان ۲۳-۲۱:۱۶)، از نزدیک شدن به قربانگاه برای تقدیم قربانی سوختنی منع می شد. [6]

پس، زنی که به تازگی زایمان کرده بود، *طامه* به شمار می رفت، اما نه به خاطر گناه حوا، بلکه به خاطر تولد که مانند مرگ، یک نشان از میرندگی است و در معبد، همچون فضایی اختصاص یافته به خودآگاهی ابدیت و روحانیت، جایی ندارد.

اما پیشکش سوختنی یادآوری است از روایت قربانی اسحق و قربانی شدن یک جانور به جای او به عنوان قربانی سوختنی (پیدایش ۲۲:۱۳). من در جای دیگر [7] استدلال کرده ام که هدف روایت قربانی کردن اسحق، اعتراض به قدرت مطلق والدین بر فرزندان در دنیای باستان بود که در قانون رم *patria potestas* نامیده می شد. در اصل، کودک همچون مالکیتی برای والدین خود به شمار می رفت. یک پدر، قدرت مطلق قانونی بر فرزند خود داشت، حتی در حد حکم مرگ و زندگی. این یکی از دلایلی رواج گسترده قربانی کردن فرزند در دنیای باستان بود. [8]

تواتر در روایت نامگذاری بر نخستین کودک انسان، توضیح واضحی دارد. حوا او را کین [قابیل] نامید - از ریشه عبری معادل "مالکیت" - و گفت: "من مالک یک فرزند شده ام از سوی خدا" (پیدایش ۴:۱). نتیجه این است که با فرزند خود مانند یک مالکیت برخورد کن، آن گاه او را تبدیل به یک جنایتکار کرده ای: متن تورات چنین معنایی در خود دارد.

روایت قربانی کردن اسحق بیانیهِ ای است برای تمام زمان ها در این مورد که والدین مالک فرزندان خود نیستند. کل داستان تولد اسحق به این مسیر می رود. او زمانی متولد شد که سارا در دوران پساباروری قرار داشت (پیدایش ۱۸:۱۱) و قادر نبود به طور طبیعی صاحب فرزند شود. اسحق به آشکاری هدیه خدا بود. والدین فقط مسئولان نگهداری فرزندان هستند.

در زمینه نخست زادگان، روایت ده ضربت در مصر همین پیام را داشت. در ابتدا همه نخست زادگان می بایست کاهنان در خدمت خدا بشوند. تنها پس از گناه گوساله طلایی این نقش به قبیله لوی واگذار شد. همین ایده پشت آیین بازخرید اولزاد است. حنا فرزند خود شموئل را نذر خدا کرد. همسر مانوح، شیمشون را وقف خدا نمود. مادر به پیروی از ابراهیم به جای فرزند خود، قربانی سوختنی می آورد. او با چنین کاری تصدیق می کرد که مالک فرزند نیست و فقط مسئول نگهداری از او می باشد. با آوردن پیشکش مانند آن بود که بگوید: "خدایا می دانم که باید این فرزند را یکسره وقف خدمت تو سازم. مرحمت کن و این پیشکش را به جای او بپذیر."

در مورد فدیۀ گناه یک تفسیر تلمودی نغز وجود دارد که ابعاد آنرا روشن می سازد. این تفسیر گفتگویی را توصیف می کند میان خدا و فرشتگان پیش از آفرینش انسان:

وقتی قادر یکتا که متبارک باد نام او می خواست انسان را بیافریند، گروهی از فرشتگان مامور را آفرید و از آنها پرسید: "آیا شما موافق هستید که انسان را به صورت خود بیافرینیم؟"

آنها پاسخ دادند: "ای سرور کائنات! کارهای او چه خواهد بود؟"

خدا به آنها تاریخ بشر را نشان داد.

فرشتگان پاسخ دادند: "انسان چیست که به او اهمیت بدهی؟" [باشد که انسان خلق نشود]. خدا آن فرشتگان را منهدم کرد و گروه دومی از فرشتگان آفرید و همان پرسش را پرسید. آنها همان جواب را دادند و خدا نابودشان کرد. سپس گروه سومی

آفرید و آنها پاسخ دادند: ای سرور کائنات، گروه اول و دوم فرشتگان به تو گفتند که انسان را خلق نکن و جان به در نبردند. گوش نکردی. ما چه می توانیم بگوییم به جز این: "کائنات از آن تو است. همان کاری را با آن بکن که می خواهی." و خدا انسان را آفرید. اما به نسل توفان نوح که رسید و سپس به نسلی که برج بابل را ساختند، فرشتگان به خدا گفتند: آیا نخستین فرشتگان درست نمی گفتند؟ بین فساد انسان چه عظیم است!"

و خدا پاسخ داد [یشعیا ۴: ۴۶]: "من حتی در پیری تغییر نخواهم کرد و حتی با موی خاکستری هنوز صبور خواهم بود. [9]

فرشتگان با خلق انسان مخالف بودند، زیرا پیشاپیش می دانستند که از میان همه شکل های حیات فقط انسان ها قادر به گناه و در نتیجه خطری برای خلقت آفریدگار هستند. این بخش از تلمود می خواهد بگوید که خدا می دانست انسان ها گناه خواهند کرد و با این همه در خلق آدم اصرار ورزید. این نکته می تواند علت فدیۀ گناه برای زایمان را توضیح دهد. آن کودک روزی گناه خواهد کرد. جامعه سلیمان می گوید: "هیچ کس بر روی زمین نیست که تا این حد صدیق باشد که فقط کار خیر انجام دهد و مرتکب گناه نشود" (جامعه ۷: ۲۰). از این رو یک مادر جهت توبه پیشاپیش فدیۀ گناه می آورد برای هر گناهی که فرزند ممکن است در کودکی مرتکب شود، چنان چه بگوید: "خدایا می دانستی که انسان ها گناه خواهند کرد، اما با این همه آنها را آفریدی و به ما دستور دادی که انسان های جدیدی به دنیا بیاوریم. پس این فدیۀ گناه را پیشاپیش برای هر خطایی که از فرزند من سربزند، بپذیر."

والدین بر اساس قانون یهود، مسئول گناهای هستند که فرزندانشان مرتکب می شوند. از این رو است که هنگام بر میتصوا یا بت میتصوای یک فرزند، والدین شکرگزاری می کنند که: "زیرا مرا از مجازاتی که ممکن بود به خاطر این فرزند بگیرم، معاف کردی." [10]

پس قربانی هایی که یک زن برای تولد فرزند پیشکش می کند و دوره ممنوعیت ورود او به معبد، هیچ ربطی ندارد به هیچ گناهی که شاید مرتکب یا هیچ آلودگی که دچار شده باشد. بلکه این قربانی ها در ارتباط هستند با پایه اخلاقیات انسان، مسئولیت والدین برای رفتار فرزند و تایید این امر که هر حیات جدیدی یک موهبت الهی است.

شبات شالوم

[1] Rabbenu Bachya and Kli Yakar, Commentary to Leviticus 12:6.

[2] Niddah 31b; Ibn Ezra, Commentary to Leviticus 12:6.

[3] Nahmanides, Commentary to Leviticus 12:7.

[4] Sforno, Commentary to Leviticus 12:8.

[5] Meshekh Hókhma, Commentary to Leviticus 12:6.

۶- موسی بن مایمون نظر جالبی در مورد منع خدمت یک کوهن دارای نقص عضو در معبد دارد و می گوید که این هیچ ربطی به تقدس، به خودی خود، نداشته، بلکه به یک دیدگاه عامیانه برمی گشته است: " زیرا عوام یک فرد را بر اساس صورت حقیقی او ارزیابی نمی کنند، بلکه به کمال جسمانی اعضا و زیبایی جامه های اومی نگرند." *راهنمای سرگشتگان (دلالت الحائرین)* جلد سوم، بخش ۴۵.

[7] Jonathan Sacks, *The Great Partnership: God, Science and the Search for Meaning* (London: Hodder, 2011), 177-181.

[8] On child sacrifice, see Jon D. Levenson, *The Death and Resurrection of the Beloved Son: The Transformation of Child Sacrifice in Judaism and Christianity* (New Haven, Conn.: Yale University Press, 1995).

[9] Sanhedrin 38b.

[10] Genesis Rabbah 63:10.



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian